

نظریه‌ی گفتمان

از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی

محمد رضا رسولی

پویا نعمت‌اللهی

نظریہ ی گفتمان

مجموعه گفتمان‌شناسی لوگوس

زیر نظر سید علی اصغر سلطانی

۱. گفتمان، هویت و مشروعیت: خود و دیگری در بازنمایی‌های برنامه هسته‌ای ایران. مجید خسروی‌نیک، ترجمه نیلوفر آقاابراهیمی.
۲. گفتمان و مدیریت. گرلینده موتتر، ترجمه روح‌اله عطایی.
۳. راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۱. رویکردها. گروه مترجمان.
۴. راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۲. روش‌های تحلیل. گروه مترجمان.
۵. راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۳. بینارشتگی. گروه مترجمان.
۶. راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۴. طبقات اجتماعی و قدرت. گروه مترجمان.
۷. راهنمای گفتمان‌شناسی انتقادی: ۵. حوزه‌ها و رسانه‌ها. گروه مترجمان.
۸. تحلیل گفتمانی تاریخ: گفتمان جنگ و تدبیر در تاریخ میانه ایران. فاطمه رستمی.
۹. رتوریک سیاسی در ایران: سازوکارهای اقناع در گفتمان مجلس شورای اسلامی. تینا چهارسوقی‌امین.
۱۰. تحلیل انتقادی استعاره: رویکردی شناختی-پیکره‌ای. جاناناتان چارتریس‌بلک، ترجمه یکتا پناه‌پور.
۱۱. تحلیل گفتمان دینی: مبانی نظری. حسن بشیر.
۱۲. زبان هراس: تزریق تهدید در گفتمان عمومی. پیوتر کپ، ترجمه علی بصارتی.
۱۳. استعاره در مدیریت: نظریه و روش. میخال خمیلننسکی و لوکاش سولکوفسکی. ترجمه روح‌اله عطایی.
۱۴. تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها. نوشته محمد شیخ‌زاده و رضا بنی‌اسد.
۱۵. نظریه‌ی گفتمان: از ساختارگرایی به پسا ساختارگرایی. محمدرضا رسولی و پویا نعمت‌اللهی.

Discourse Theory From Structuralism to Poststructuralism

Mohammad-Reza Rasouli
Pouya Nematollahi

© Logos Publications 2021



نظریه‌ی گفتمان

از ساختارگرایی به پساساختارگرایی

محمدرضا رسولی
پویا نعمت‌اللهی



سرشناسه: رسولی، محمدرضا، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور:

نظریه‌ی گفتمان از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی / محمدرضا رسولی، پویا نعمت‌اللهی.

مشخصات نشر: تهران، لوگوس، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۳۱۵ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۹۸-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۹۹] - ۳۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: لاکلاو، ارنستو، ۱۹۳۵ - م. -- دیدگاه درباره گفتمان

موضوع: Laclau, Ernesto -- Views on discourse analysis

موضوع: موفی، شانتال، ۱۹۴۳ - م. -- دیدگاه درباره گفتمان

موضوع: Mouffe, Chantal -- Views on discourse analysis

موضوع: گفتمان Discourse Analysis

موضوع: گفتمان انتقادی Critical Discourse Analysis

شناسه افزوده: نعمت‌اللهی، پویا - ۱۳۵۲

رده‌بندی کنگره: P۳۰۲

رده‌بندی دیویی: ۴۰۱/۴۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۱۴۸۳۱

نظریه‌ی گفتمان: از ساختارگرایی به پساساختارگرایی

محمدرضا رسولی و پویا نعمت‌اللهی

ویراستار: ع. رهنما

طراح جلد: مانی خنیانگر

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۹۸-۹



قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

برای اطلاعات بیشتر کد بالا را اسکن کنید یا به وبسایت نشر لوگوس مراجعه کنید.

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز بخش: ۰۹۰۲ ۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

فهرست مطالب

بخش اول: تاریخچه، مفاهیم و مبانی	۱
۱. مقدمه‌ی نویسندگان	۳
۲. گفتمان چیست؟	۷
۱.۲ مقدمه	۷
۲.۲ گفتمان چیست؟	۸
۳.۲ گفتمان در معنای فنی تر	۱۰
۴.۲ گفتمان از منظر فرکلاف	۱۴
۵.۲ گفتمان از منظر لاکلاو و موفه	۱۵
۳. تحلیل گفتمان چیست؟	۱۷
۱.۳ مقدمه	۱۷
۲.۳ چستی تحلیل گفتمان	۱۷
۳.۳ تحلیل گفتمان و برساخت‌گرایی اجتماعی	۲۰
۴.۳ رویکردهای مختلف در طبقه‌بندی تحلیل گفتمان	۲۵
۵.۳ پیدایش تحلیل گفتمان انتقادی	۲۹
۴. فوکو، قدرت و گفتمان	۳۳
۱.۴ مقدمه	۳۳
۲.۴ گفتمان در آراء فوکو	۳۴
۳.۴ صورت‌بندی گفتمانی	۳۸
۴.۴ قدرت	۴۰
۵.۴ فوکو و قدرت	۴۱
۶.۴ دانش	۴۴
۵. رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی	۴۷
۱.۵ مقدمه	۴۷
۲.۵ مبانی تحلیل انتقادی گفتمان	۴۷
۳.۵ رویکردهای موجود در تحلیل گفتمان انتقادی	۵۰
بخش دوم: نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه	۷۵
۶. نظریه‌ی گفتمان	۷۷
۱.۶ مقدمه	۷۷

۷۹	۲.۶ نظریه‌ی گفتمان چه می‌گوید؟
۸۱	۳.۶ شارحان چه می‌گویند
۸۳	۴.۶ چند نکته‌ی مهم
۸۷	۷. نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی ساختارگرا
۸۷	۱.۷ مقدمه
۸۸	۲.۷ نقطه‌ی شروع: زبان‌شناسی
۸۹	۳.۷ اختیاری بودن رابطه‌ی دال و مدلول
۹۱	۴.۷ تعیین تکلیف زبان‌شناسی در مدل لاکلاو و موفه
۹۵	۸. از ساختارگرایی به پساساختارگرایی
۹۵	۱.۸ مقدمه
۹۶	۲.۸ پساساختارگرایی چیست؟
۹۹	۳.۸ شالوده‌شکنی
۱۰۳	۴.۸ شالوده‌شکنی و نظریه‌ی گفتمان
۱۱۱	۹. از مارکسیسم به پسامارکسیسم
۱۱۱	۱.۹ مقدمه
۱۱۲	۲.۹ ماتریالیسم تاریخی و مارکسیسم
۱۱۳	۳.۹ مارکسیسم و پسامارکسیسم
۱۱۶	۴.۹ پسامارکسیسم دقیقاً چیست؟
۱۲۱	۱۰. نظریه‌ی گفتمان به مثابه یک مدل
۱۲۱	۱.۱۰ مقدمه
۱۲۱	۲.۱۰ تشریح مدل
۱۲۳	۳.۱۰ مفصل‌بندی چیست؟
۱۲۷	۴.۱۰ مؤلفه‌ها و مفاهیم نظریه‌ی گفتمان
۱۵۵	۱۱. نظریه‌ی اجتماعی
۱۵۵	۱.۱۱ مقدمه
۱۵۶	۲.۱۱ تمایز امور گفتمانی و غیرگفتمانی به لحاظ نظری
۱۵۷	۳.۱۱ آیا گفتمان‌ها مادی هستند؟
۱۵۸	۴.۱۱ گفتمان و طبیعی‌سازی
۱۶۰	۵.۱۱ گفتمان و قدرت

۱۶۳	۶.۱۱. تقدم وارجحيت امر سياسى
۱۶۷	۷.۱۱. جامعه‌ى ناممکن
۱۶۸	۸.۱۱. اسطوره / افسانه
۱۷۵	۱۲. نظريه‌ى سوژه و هویت
۱۷۵	۱.۱۲. مقدمه
۱۷۶	۲.۱۲. آلتوسر و سوژه
۱۷۹	۳.۱۲. تعیین‌های سوژه
۱۸۱	۴.۱۲. سوژگی سياسى و مواضع سوژگی
۱۸۴	۵.۱۲. سوژه‌ى لاكانى
۱۹۷	بخش سوم: رویه‌ها، تکنیک‌ها و راهبردهای روشى در نظريه‌ى گفتمان
۱۹۹	۱۳. ابزارهای تحليل و تفسير گفتمانى
۱۹۹	۱.۱۳. مقدمه
۲۰۰	۲.۱۳. ابزارهای متعارف در روش‌شناسى تحليل انتقادى گفتمان
۲۰۲	۳.۱۳. تمایزات و شباهت‌های تحليل انتقادى گفتمان و نظريه‌ى گفتمان از حيث روش‌شناسى
۲۰۵	۴.۱۳. موضع رویکرد تحليل انتقادى گفتمان نسبت به نظريه‌ى گفتمان
۲۱۱	۵.۱۳. موضع نظريه‌ى گفتمان نسبت به رویکرد تحليل انتقادى گفتمان
۲۱۳	۶.۱۳. امکان‌پذیرى تلفیق دو رویکرد به لحاظ روشى
۲۱۵	۷.۱۳. لزوم تمایز بین امر گفتمانى و امر غیرگفتمانى
۲۱۷	۸.۱۳. شماتیک مدل گفتمانى
۲۲۰	۹.۱۳. بیرون‌سازنده
۲۲۵	۱۴. برجسته‌سازى و حاشیه‌رانى
۲۲۵	۱.۱۴. مقدمه
۲۲۵	۲.۱۴. مفهوم برجسته‌سازى و حاشیه‌رانى
۲۲۸	۳.۱۴. مربع ایدئولوژیک
۲۳۰	۴.۱۴. عامل دسترسى و عامل اعتبار
۲۳۳	۵.۱۴. برجسته‌سازى و حاشیه‌رانى زبانى
۲۳۵	۱۵. سایر روش‌های تحليل متن
۲۳۵	۱.۱۵. مقدمه
۲۳۶	۲.۱۵. بینامتنیت و بیناگفتمانیت

۳۳۸	۳.۱۵ نقل قول
۳۴۰	۴.۱۵ حضور و غیاب و خوانش متون
۳۴۱	۵.۱۵ انتخاب واژگانی
۳۴۳	۶.۱۵ دلالت صریح و ضمنی
۳۴۴	۷.۱۵ نشانه‌شناسی گفتمانی
۳۴۷	۸.۱۵ نشانه-معناشناسی گفتمانی
۳۴۹	فهرست منابع

بخش اول

تاریخچه، مفاهیم و مبانی

۱. مقدمه‌ی نویسندگان

هیچ پارادایمی در جهان وجود ندارد که به تنهایی بتواند ما را در کشف حقیقت کمک کند. روش‌شناسی به مثابه‌ی عنصر پارادایمی در دستیابی به مؤثرترین روش‌ها و واکاوی و شناخت امور اجتماعی در جامعه‌ی متحول امروزی دستخوش دگرگونی است. پژوهشگران در متن این تحولات، با دعاوی چندگانه‌ای در برابر امر اجتماعی روبه‌رو هستند. در چند دهه‌ی گذشته بحران رویارویی پارادایم اثبات‌گرایی مبتنی بر روش‌های کمی و پارادایم تفسیری/انتقادی مبتنی بر روش‌های کیفی، به تغییر جهت روش‌ها منتهی شده است. اما کم‌کم اندیشمندان علوم اجتماعی به این نتیجه رسیدند که باید ضمن ابداعات روش‌شناسی و نگاه چندپارادایمی، الگوهای روش‌شناسانه‌ی مطالعات خود را متناسب با پیچیدگی‌های امر واقع متحول سازند.

به طور کلی، از نگاه معرفت‌شناسی به رویکردهای کمی، کیفی و تلفیقی باید گفت رویکرد کمی‌گرایی بر برون‌گرایی و توجه به جنبه‌های بیرونی واقعیت و اثبات‌گرایی تأکید دارد؛ حال آنکه در رویکرد کیفی بر ساختارگرایی، ذهن‌گرایی و تفسیرگرایی تأکید می‌شود. در رویکرد تلفیقی نیز هم ابعاد بیرونی و اثباتی و هم جنبه‌های کیفی و ذهنی واقعیت مورد تأکید قرار داشته و محقق به استفاده‌ی توانمند رویکردهای کمی و کیفی بر حسب موضوع تحقیق می‌پردازد و با بهره‌گیری از روش‌های کمی و کیفی، سعی در مطالعه‌ی جامع‌تر موضوع می‌کند.

دیری نیست که مفهوم گفتمان و روش تحلیل گفتمانی در مراکز دانشگاهی و پژوهشی ایران به ویژه در رشته‌های علوم اجتماعی اهمیت یافته است. داعیه‌ی مهم تحلیل گفتمان آن است

که تحلیل‌گر در بررسی یک متن، از متن فراتر می‌رود و وارد بافت یا زمینه‌ی متن می‌شود. یعنی از یک طرف بر روابط درون متن و از طرف دیگر به بافت‌های موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن می‌پردازد. همواره دو آسیب جدی وجود دارند که استفاده از روش تحلیل گفتمان را در بین دانشجویان و محققان تازه‌کار اما سخت‌کوش تهدید می‌کند. یکی عدم شناخت کافی از تحلیل گفتمان به مثابه‌ی روش و دوم فقدان توانایی لازم در کار بست مسایل تحقیقی.

در ایران، سه روش تحلیل گفتمان انتقادی شامل روش فرکلاف، روش ون دایک و روش روث وداک مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از میان این سه روش نیز مدل سه مرحله‌ای فرکلاف در میان محققان ایرانی طرفداران زیادی دارد و عمده‌ی پژوهش‌های تحلیل گفتمان با استفاده از همین روش اجرا می‌شود.

اما علی اصغر سلطانی با انتشار کتاب قدرت، گفتمان و زبان در سال ۱۳۸۴، توجهات زیادی را معطوف دستگاه نظری ارنستو لاکلاو و شانتال موفه کرد. این دو اندیشمند در رویکردی پساساختارگرایانه و پسامارکسیستی و از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا، لاکان، سوسور و دیگران، نظریه‌ی گفتمان خود را ارائه کردند. این رویکرد در دو سنت نظری ساخت‌گرا یعنی مارکسیسم و زبان‌شناسی سوسوری ریشه دارد. مارکسیسم مبنای اندیشه در امر اجتماعی را برای این نظریه فراهم می‌آورد و زبان‌شناسی سوسور نظریه‌ی معنایی مورد نیاز این دیدگاه را در اختیار قرار می‌دهد. آنها با درهم آمیختن این دو دیدگاه به نظریه‌ای پساساختارگرایانه دست یافته‌اند که طبق آن کل حوزه‌ی اجتماع به مثابه‌ی شبکه‌ای از فرآیندهای متفاوت دریاخته می‌شود که در آن معنا تولید می‌شود. این شبکه‌ی فرآیندها همان گفتمان‌ها هستند.

به خاطر تنوع و کثرت مبانی نظری این رویکرد و همچنین پیچیدگی‌های موجود در آراء حاصل از این پلورالیسم نظری، عمدتاً تمایل چندانی برای ارائه‌ی کتابی حاوی تشریح مبانی نظری آراء لاکلاو و موفه وجود نداشته است. این در حالی است که به گواهی مراجع پژوهشی، شمار پژوهش‌ها بر اساس مدل تحلیل گفتمانی مذکور، رو به افزایش است.

تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی در ساحت‌هایی چون زبان‌شناسی، علوم سیاسی، رفاه اجتماعی، علوم ارتباطات، اقتصاد اجتماعی، روابط بین‌الملل، علوم اجتماعی و برخی حوزه‌های دیگر با استعانت از این مدل به انجام رسیده است. با این حال آنچه که در این پژوهش‌ها غایب می‌نماید، ارجاعات به آثار گوناگون این دو اندیشمند است. در این راستا عمده‌ی ارجاعات به کتاب اصلی آنها (به نام همزونی و استراتژی سوسیالیستی) است و سایر آثار این دو در بسیاری از پژوهش‌ها مورد غفلت قرار می‌گیرد. بنابراین لازم بود که کتاب مستقلی تدارک دیده شود که در آن بتوان ابعاد

اندیشه‌های لاکلاو و موفه را هم به لحاظ آراء خود آنها و هم از حیث تفسیر اندیشه‌های آنها از سوی سایر پژوهشگران و اندیشمندان پوشش داد. کتاب حاضر دقیقاً با همین هدف نگاشته شده است. در نگارش این کتاب تقریباً تمام آثار ارnstو لاکلاو و شانتال موفه (هم کتاب‌های مستقل آنها و هم مقاله‌های آنها در سایر کتاب‌ها) مطالعه شده است. لازم به ذکر است که تمرکز بر حوزه‌ی گفتمان صرفاً یکی از حوزه‌های مطالعاتی آنها بوده و این دو اندیشه‌ورز سترگ در حوزه‌های مطالعاتی دیگری ورود کرده‌اند که طبعاً ارتباطی با موضوع این کتاب پیدا نمی‌کند.

این کتاب در سه بخش تنظیم شده است: در بخش اول مفهوم گفتمان و آنگاه تحلیل گفتمان مورد تدقیق قرار گرفته است. کثرت استعمال این واژه تا حدی است که در برخی اوقات غلط‌های فاحش معنایی و ماهوی بر آن مترتب می‌شود. به همین خاطر لازم بود موضوعاتی نظیر معنا و مفهوم گفتمان به لحاظ فنی، چپستی تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان و برساخت‌گرایی اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند نهایتاً پیدایش تحلیل انتقادی گفتمان و همچنین مبانی و رویکردهای مهم و معروف آن به تفصیل ارائه شده است.

در بخش دوم به نظریه‌ی گفتمان پرداخته شده است. تلاش نویسندگان بر آن بوده که تبار اندیشه‌های لاکلاو و موفه را در پرتو آراء اندیشمندانی که در نضج نظریه‌ی آنها مؤثر بوده‌اند، ردیابی کنند. از زبان‌شناسی ساختارگرای سوسور و مارکسیسم آلتوسری و دیکانستراکسیون دریدا گرفته تا دیرینه‌شناسی و نقد قدرت فوکو و سوژه‌ی لاکانی در مفصل‌بندی نظریه‌ی لاکلاو و موفه الهام گرفته شده و لذا می‌بایستی تک‌تک این نظریات مورد موشکافی قرار گیرد تا بتوان مؤلفه‌ها و ابعاد گوناگون نظریه‌ی مذکور را به استفهام نشست. هنر لاکلاو و موفه این است که این مفاهیم انتزاعی را به مقوله‌هایی در دسترس و عینی تبدیل کرده و آنها را در خدمت تحلیل جامعه‌ی بشری قرار داده‌اند؛ آنجا که ضمن عبور از انسداد و جزم‌گرایی مارکسیستی، عرصه‌ی تنازعات گفتمانی را به شکل باز و محل تلاقی نیروهای متعارض می‌بینند.

شاید لاکلاو و موفه به قدری در پیچیدگی‌های نظریه‌ی خود فرو رفته‌اند که هیچگاه فرصت آن را پیدا نکردند (یا نخواستند) که ابزارهای مشخصی برای امکان‌مندی پژوهش بر اساس نظریه‌ی خودشان ارائه کنند. آنها معتقدند همه‌ی امور صبغه‌ای گفتمانی دارند و لذا تمامی پدیده‌های اجتماعی را می‌توان با ابزارهای گفتمانی تحلیل و بررسی کرد. اما این ابزارها کدامند؟ آیا در این رویکرد می‌توان همانند رویکرد فرکلاف به طیفی از ابزارها و وسائل تحلیلی دسترسی داشت؟ در نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه چگونه و با چه ابزارهایی می‌توان به گفتمان‌هایی که در گنه متون جا خوش کرده‌اند، پی برد؟ متون مورد نظر در حال تولید و بازتولید چه گفتمان‌هایی هستند؟ در متون مذکور چه معناهایی قرار است برجسته شده و چه معناهایی به حاشیه برده شوند؟ بخش سوم تلاش

می‌کند پاسخی برای این سؤالات به دست دهد.

نویسندگان ضمن تدقیق در آثار پژوهشگران داخلی و خارجی متوجه شدند که تمایل زیادی برای استفاده از ابزارهای تحلیل فرکلافی در نظریه‌ی گفتمان وجود دارد. هرکدام از این دو مکتب توضیح خود را برای «معنا» و «امکان‌پذیری تغییرات اجتماعی» دارند فلذا چگونه و با چه تفسیری می‌توان از ابزارهای فرکلافی برای پژوهش مبتنی بر نظریه‌ی گفتمان استفاده کرد؟ در اغلب پژوهش‌ها صرفاً به این امکان‌مندی اشاره می‌شود اما هیچ تفسیر ایستمولوژیک و متدولوژیک ناظر بر این همپوشانی ارائه نمی‌شود. به همین خاطر در بخش مجزایی از این کتاب به موضوع متدولوژی و ابزارشناسی در نظریه‌ی گفتمان اشارات مبسوطی می‌شود. در این راستا ابزارهایی چون برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی و همچنین برخی روش‌های تحلیل متن مورد بررسی قرار گرفته است.

چنانکه ذکر شد اندیشه‌های لاکلائو و موفه از ساحت‌های مختلف علوم اجتماعی اخذ شده و همین خصیصه است که این رویکرد را تا این اندازه برای پژوهش در بسیاری از عرصه‌های علوم اجتماعی جذاب کرده است. مطالعه‌ی این کتاب که توأمان محصول تحقیق گفتمانی و دانشگاهی به شکل غیرتئوریک است، می‌تواند برای تمامی پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی در رشته‌های و گرایش‌های گوناگون علوم و همچنین دانشجویان و محققانی که علاقه‌مند به شناخت و یادگیری جامعی از تحلیل‌های گفتمانی هستند، مفید واقع گردد.

لازم است پیش و بیش از هرچیز از جناب آقای دکتر علی اصغر سلطانی مدیر محترم نشر لوگوس تشکر کنیم. این اندیشه‌ورز خوشنام که خود از پیشگامان معرفی نظریه‌ی لاکلائو و موفه است، پیشنهاد نگارش این کتاب را ارائه داده و نویسندگان را در طول دوران نگارش کتاب از راهنمایی‌های خود بهره‌مند کرده است. با این وجود هرگونه کاستی در کتاب تماماً متوجه نویسندگان است.

۲. گفتمان چیست؟

۱.۲ مقدمه

اولین بار داریوش آشوری در مقاله‌ای به نام «نظریه‌ی غربزدگی و بحران تفکر در ایران» که در نشریه‌ی ایران‌نامه در بهار ۱۳۶۸ منتشر شد، واژه‌ی «گفتمان» را به‌ازای معادل فارسی «دیسکورس» معرفی کرد. در فراز ابتدایی این مقاله چنین آمده است:

البته وضع‌کننده‌ی عنوان غربزدگی آل احمد نیست و کس دیگری این ترکیب و لغت را ساخته است و از دیدگاه دیگری؛ و آل احمد تعبیر خود را از آن ارائه داده است. صرف‌نظر از آنچه آل احمد در این باره گفته، «غربزدگی» را می‌توانیم عنوانی برای یک برخورد روشنفکرانه در دوران خاصی از تاریخ معاصر برای طرح مسائل اساسی جامعه‌ی ایرانی در روزگار کنونی بدانیم. برخوردی که دیدگاه‌ها و جنبه‌های مختلف دارد و می‌خواهد راه حل بحران معاصر را نشان دهد. به عبارت امروزی «غربزدگی» و نظریه‌های پیرامون آن یک «گفتمان» Discourse است برای دوران خاصی از تاریخ روشنفکری ما. این زبان حال از سویی هم بیان آن ستیزی است که مارکسیسم-لنینیسم یا «غرب» به عنوان دنیای امپریالیسم و سرمایه‌داری دارد و با ارزش‌های آن می‌ستیزد و هم آن ناسیونالیسمی که در جستجوی هویت و «اصالت فرهنگی» است. (آشوری، ۱۳۶۸: ۴۵۴)

اما این واژه به چه معناست و گفتمان به‌واقع چیست؟ برای پاسخ به این سؤال که «گفتمان»

چیست، ناگزیر از ورود به حوزه‌ی گسترده‌ای از علوم مشتمل بر زبان‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، علوم رفتاری، روابط اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات، هرمنوتیک و خیلی دیگر از ساحت‌های علوم هستیم.

۲.۲ گفتمان چیست؟

به یک معنا گفتمان می‌تواند زبانی باشد که به کار گرفته می‌شود تا رویداد مشخصی را بازگو کند. در عین حال گفتمان یک جور فونکسیون (عملکرد) زبانی نیز محسوب می‌شود که شامل مجموعه‌ای از آیین‌ها، روش‌ها و اسلوب‌ها در راستای فورم‌اسیون کلام‌ها و موضوعات و پدیده‌هاست. بنابراین گفتمان نوعی سخن‌گفتن از پدیده‌های پیرامونی است. «گفتمان می‌تواند رویکردی ساختاری به متن باشد که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند» (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۲). بشیر معتقد است که اگر متن را محصول مادی و دیداری بدانیم، آنگاه گفتمان یک فرآیند ارتباطی و شنیداری است و مفهوم گفتمان از این حیث به شکل جدی با زبان و ساختارهای زبانی و فرازبانی عجین است (بشیر، ۱۳۸۴: ۸).

به هر حال با توجه به کاربرد بسیار متداول رویکردهای زبانی در حوزه‌های مختلف علمی، عملاً نقش و کاربرد بسیار گسترده‌ای برای مفهوم گفتمان پدید آمده و علوم مختلف هرکدام با افزودن حواشی و شاخ و برگ‌های زیاد بر آن، یک مقوله‌ی پیچیده و بحث‌برانگیز از «گفتمان» ایجاد کرده‌اند. در دیکشنری لانگمن ذیل مدخل دیسکورس چنین آمده است: یک مکالمه، خصوصاً به شکل رسمی آن، بیان رسمی و منظم ایده‌ها در سخن یا نوشتار و همچنین بیان فوق به شکل وعظ و خطابه و رساله، یک قطعه یا واحد گفتاری یا نوشتاری متصل به یکدیگر.

همین کلمه در دیکشنری فرانسه به انگلیسی (به نام کولینز رابرت) چنین آمده است:^۱

دیسکورس = سخن‌گفتن مستقیم و غیرمستقیم در زبان‌شناسی؛ چت کردن

ون دایک^۲ در کتاب مطالعاتی در تحلیل گفتمان مفهوم گفتمان را همانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ می‌داند که هرکدام از این‌ها دارای ابهاماتی هستند و علوم مختلف هرکدام به گونه‌ای آن را تعریف و تبیین کرده که گویی بدون آن امکان درک و راه‌یابی به عمق مسائل علمی وجود ندارد (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۵).

گفتمان در معنای فنی و علمی در حوزه‌ی زبان‌شناسی به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با ارجاع به متکلم وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی و یا با ارجاع به

۱. توضیح اینکه در رسم الخط فرانسه حرف آخر این کلمه (یعنی حرف e) وجود ندارد.

متغیرهای دیگری بیان نمود که در مشخص کردن بسترهای بافت موضوعی پاره‌گفتارها به کار می‌روند (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۰). تاجیک معتقد است آنچه که می‌تواند تعیین‌کننده‌ی شکل و نوع و محتوای هرگفتمان باشد، همانا این بستر زمانی، مکانی و موارد استفاده و سوزهای استفاده‌کننده‌ی هر مطلب یا گزاره و قضیه است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۷).

به طور کلی، از سه بُعد از بررسی مفهوم گفتمان یاد می‌شود که مشتمل بر «کاربرد زبان»، «برقراری ارتباط میان باور و شناخت» و «تعامل در موقعیت‌های اجتماعی» است؛ چرا که کاربرد زبان بر باورها و تعاملات اثرگذار بوده و از سوی دیگر چگونگی تعامل می‌تواند بر نحوه‌ی سخن گفتن تأثیر بگذارد و بالاخره این که کاربرد زبان و تعامل می‌تواند از طریق باورها کنترل شود و پژوهشگران لازم است توصیفی یکپارچه از این ابعاد سه‌گانه ارائه کنند (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۹).

فوکو می‌گوید گفتمان‌ها نه تنها مربوط به چیزهایی است که می‌تواند گفته یا درباره‌اش فکر شود، بلکه درباره‌ی این نیز هست که چه کسی در چه زمانی با چه آمریتی می‌تواند صحبت کند. گفتمان‌ها مجسم‌کننده‌ی معنا و ارتباطات اجتماعی و شکل دهنده‌ی ذهنیت و ارتباطات اجتماعی/سیاسی (یعنی قدرت) است. این تعبیر فوکو می‌تواند برای معنا و تعریف از طریق موقعیت‌های اجتماعی و ساختاری باشد که از سوی کاربران گفتمان‌ها به کار گرفته شده است. از این رو گفتمان‌ها امکانات بر ساخته شدن تفکرها را به کاربران مذکور تحمیل کرده و آن‌ها لاجرم کلمات را از طریق راه‌های ویژه تنظیم و ترکیب کرده و چه بسا مانع ایجاد ترکیبات دیگر شده و یا آن‌ها را جابه‌جا می‌کنند (عضدانلو به نقل از فوکو، ۱۳۷۵: ۵۲-۴۸).

گفتمان‌های متفاوت، نظام‌های متفاوتی می‌سازند. امکانات لازم برای معنا، جفت‌وجور و مستحکم می‌شوند و به کمک موضع اجتماعی و نهادینی که گفتمان از آن برمی‌خیزد، در قالب معانی مشخصی قرار می‌گیرند و یا معانی مشخصی پیدا می‌کنند (مک‌دائل، ۱۳۷۷: ۴۱) اگر این تبیین را صائب بشمریم آنگاه می‌توان اظهار داشت که گفتمان‌های مختلف، مفاهیم و مقولات مختلفی ارائه می‌کنند و گاهی می‌توان مفاهیمی را که در چارچوب یک گفتمان ارائه شده را در گفتمان‌های دیگر بازاندیشی کرد. گفتمان ممکن است به مثابه‌ی «یک سیستم از امکان» تلقی شود. این «امکان» در واقع همانی است که اجازه می‌دهد احکامی را بسازیم. لیکن قواعد گفتمانی اساساً قواعدی نیستند که افراد آگاهانه از آن پیروی کنند. گفتمان یک روش یا نقطه‌ی ثقل نیست بلکه مجموعه‌ای از قواعد است که پیش شرط‌های اولیه را برای شکل‌گیری احکام فراهم می‌سازد. در واقع موقعیت، عمل و ویژگی نویسندگان و شنوندگان و دانایان به آن گفتمان آن است که از وظیفه و کارکرد این نوع از قواعد گفتمانی آگاه بوده و آن را به کار بندند (فیلیپ، ۱۳۸۱: ۱۶۱). البته آنگونه که تاجیک می‌گوید، گفتمان‌ها

هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، بلکه سازنده‌ی موضوع‌ها بوده و در فرآیند این سازندگی، مداخله‌ی خود را پنهان می‌کنند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۵).

بنابراین در هر رویکرد مبتنی بر گفتمان، زبان صرفاً گذرگاه انتقال پیام و بازنمایی‌کننده نیست، بلکه عامل سازنده‌ی جهان اجتماعی و معنا بخشی به آن است. احتمالاً به همین خاطر است که عقلی و لطفی حقیقت معتقدند «تعاملات اجتماعی و هویت‌های فردی و گروهی محصول زبان و گفتمان است و تغییر در گفتمان به تغییر در جهان اجتماعی منجر می‌شود» (عقلی و لطفی حقیقت، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

یورگنسن^۱ و فیلیپس^۲ نیز گفتمان را شیوه‌ی خاصی برای سخن گفتن درباره‌ی جهان و فهم آن (یا یکی از وجوه آن) دانسته‌اند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸). شولیاراکی^۳ و فرکلاف^۴ نیز در کتاب گفتمان در مدنیته‌ی متاخره^۵ می‌گویند که واژه‌ی گفتمان جهت ارجاع به عناصر نمادین پرکتیس اجتماعی به کار می‌رود. لذا می‌تواند مشتمل بر زبان (نوشتاری و گفتاری و در ترکیب با سایر نشانه‌ها مثلاً موسیقی در آواز)، و همچنین ارتباطات غیرکلامی و ایماژهای بصری باشد. لذا مفهوم گفتمان به مثابه‌ی یک چشم‌انداز خاص از این فرم‌ها (شکل‌های) متنوع نشانه‌پردازی محسوب گردد. گفتمان در واقع این نمادها را مانند یک «وقته»^۶ از پرکتیس اجتماعی و در مفصل‌بندی با سایر وقته‌های غیرگفتمانی می‌بیند (شولیاراکی و فرکلاف، ۱۹۹۳: ۳۸). بدین ترتیب است که گفتمان‌های متفاوت، پدیده‌ها را در قالب معناهای معین قرار می‌دهند و معناهای مشخصی را به آن‌ها الصاق می‌کنند.

همچنین لاکلائو و موفه گفتمان را مجموعه‌ای از عناصر زبانی و غیرزبانی می‌دانند که در کنار یکدیگر قرار دارند. آن‌ها معتقدند که می‌توان یک سیستم موقعیتی تعریف کرد که عناصر مذکور دارای موقعیت افتراقی باشند. سپس توضیح می‌دهند که منظور از این «موقعیت افتراقی»، همانا وجود و شمول پراکندگی‌های بسیار گوناگون و متمایز آن عناصر است (لاکلائو و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۸).

۳.۲ گفتمان در معنای فنی‌تر

اگر سؤالات معرفت‌شناسی را سؤالاتی چون «شناخت یعنی چه» و «آیا اساساً می‌توانیم چیزی را بشناسیم» مفروض داریم، آنگاه باید گفت به لحاظ معرفت‌شناسی اساساً گفتمان معنای خیلی روشن و شفافی ندارد. مفاهیم اجتماعی مفاهیمی سر بسته نیستند و بلکه تابعی از نظام زبانی و

1. Marian Jorgensen

2. Louise Philips

3. Lili Chouliraki

4. Norman Fairclough

5. Discourse in late Modernity: Rethinking Critical Discourse Analysis

۶. Moment در مورد این واژه بعدها در تبیین مدل لاکلائو و موفه به کرات یاد خواهد شد.

معنایی / ذهنی جامع به شمار می‌روند. واژه‌ی دیسکورس یا گفتمان درگستره‌ای از علوم مختلف، از نظریات انتقادی و جامعه‌شناسی و ارتباطات گرفته تا علوم سیاسی و روان‌شناسی اجتماعی به کار گرفته می‌شود. معنای کلی آن چنانکه مشاهده می‌شود می‌تواند در علوم مختلف با یکدیگر فرق داشته باشد. ولی به قول سارا میلز هنوز تعریف جامع و مانعی برای آن ارائه نشده و تعاریف موجود نیز دچار ابهام هستند. واقعیت این است که ارائه‌ی چنین تعریف عامی نه مهم است و نه مفید. با عنایت به گستردگی کاربرد آن در ساخت‌های مختلف علوم، می‌بایستی در ابتدا حوزه‌ی نظری مورد استفاده در گفتمان‌سازی را مشخص کرده و سپس تعریف متناسب با آن را ارائه داد.

سارا میلز در اولین جملات کتاب خود از کثرت استعمال واژه‌ی گفتمان آن‌هم بدون تبیین و توصیف دقیق آن اظهار گلایه می‌کند (میلز، ۱۳۳۹: ۱). پری اندرسون^۲ از «تورم گفتمان» ناشی از زیاده‌روی در تلقی گفتمانی از امور یاد کرده است (ایگلتن، ۱۳۸۱: ۳۲). میلز در کتاب خود به نام گفتمان توضیح می‌دهد که از دهه‌ی ۱۹۶۰ کلمه‌ی دیسکورس راه خود را به عنوان یک واژه‌ی فلسفی و عمومی باز کرد و معانی مختلفی به خود گرفت. در محدوده‌ی معانی رتوریک، نمی‌توان این عبارت را به یک معنی خاص انتساب داد. تعیین مرز معنایی نیز امکان‌پذیر نیست چرا که ارجاعات آن در حوزه‌های زبان‌شناسی و سایر علوم با یکدیگر تفاوت دارد و یک جور سیلان ارجاعی برقرار شده است. میلز به نقل از کریستال یکی از اولین تعاریف را ذکر کرده که در زبان‌شناسی ارائه شده است. از این حیث «تحلیل گفتمان تمرکز بر ساختار آن زبانی در صحبت کردن است که به شکل طبیعی محقق می‌شود. در اینجا دیسکورس به معنای مکالمه، مصاحبه، کامنت‌ها و سخنرانی‌هاست. تحلیل متن بر ساختار زبان نوشتاری تأکید دارد اما به طور مشخص دیسکورس و متن می‌توانند در یک معنای اوسع مشتمل بر همه‌ی واحدهای زبانی با یک فونکسیون ارتباطاتی قابل تعریف باشد» (میلز، ۱۹۹۷: ۳-۴).

میلز با توجه به علاقه‌اش به گفتمان و تحلیل گفتمان فوکویی، از فوکو^۳ یاد می‌کند. فوکو می‌گوید: «به جای تقلیل تدریجی معنای بسیار پرنوسان دیسکورس، عقیده دارم که خودم معانی متعددی را بر آن افزوده‌ام، گاهی به مثابه‌ی حیطه‌ی عمومی همه‌ی احکام^۴، گاهی به مثابه‌ی گروه قابل تفکیک و تمایزی از احکام و گاهی به مثابه‌ی یک پرکتیس ظابطه‌مندی که تعدادی از احکام را مطمحنظر قرار داده و توضیح می‌دهد». میلز معتقد است «این اولین تعریف درواقع وسیع‌ترین تعریف است». سپس این تعریف را توضیح و بسط می‌دهد. وقتی فوکو می‌گوید «حیطه‌ی عمومی همه‌ی احکام»

1. Sara Mills

2. Perry Anderson

3. Michel Foucault

4. Statements

یعنی همه‌ی پاره‌گفتارها^۱ یا متن‌هایی که واجد معنا هستند و در جهان واقعی دارای تأثیر هستند، طبعاً می‌توانند به مثابه‌ی دیسکورس تلقی شوند^۲ (میلز، ۱۹۹۷: ۶).

تعریف دوم او یعنی «گروه قابل تمایزی از احکام» عمدتاً هنگامی مفید است که ساختار مشخصی در داخل گفتمان مد نظر باشد. این تعریف را می‌توان ناظر بر ابعاد توصیفی دانست. یعنی روابط تعاملی بین گفتمان‌ها و عناصر سازنده‌اش مطرح نیست. صرفاً هدف آن است که تفاوت موجود در بین آن گروه از احکام نشان داده شود و به درد مواقعی می‌خورد که هدف پژوهشگر همانا مطالعه‌ی مقایسه‌ای گفتمان‌ها باشد. اما تعریف سوم یعنی «یک پرکتیس ضابطه‌مند که تعدادی از احکام را مطمح نظر قرار داده و توضیح می‌دهد» ناظر بر خصیصه‌ی معنادادن و معنادهی گفتمان است. گویا در این تعریف گفتمان قرار است توضیح و معنایی برای برخی موضوعات باشد. منظور از «ضابطه‌مند» احتمالاً ناظر بر همین معنادار کردن پدیده‌هاست.

استوارت هال^۳ در کتاب بازنمایی^۴ تعبیر خود از گفتمان را چنین شرح می‌دهد: «در عرصه‌ی فرهنگ بحث در مورد جزئیات چگونگی کارکرد زبان به حوزه‌ای به نام «گفتمان» کشیده شده است. گفتمان‌ها روش‌هایی از ارجاع به (و یا برساخت) دانش در مورد یک موضوع یا حوزه‌ی مشخصی از پرکتیس است. گفتمان یک خوشه و صورت‌بندی ایده‌ها، ایماژها و پرکتیس‌هاست که طی آن روش سخن گفتن و صورت‌بندی‌های دانش در آن حوزه مشخص می‌شود. صورت‌بندی‌های گفتمانی هستند که تعیین می‌کنند کدام دانش می‌تواند مفید، مرتبط و واقعی و صحیح باشد» (هال، ۱۹۹۷: ۶). هال به تعریف فوکو از گفتمان علاقه‌مند است و قدرت را بخش جدایی‌ناپذیر گفتمان می‌داند. نگاه عجیب هال حاکی از نقش پارادایم‌گونه برای گفتمان است. «همچون مذهب در ادوار گذشته این گفتمان است که در فرهنگ مدرن می‌تواند وجه «صحیح» و «درست» دانش را تعیین کند» (هال، ۱۹۹۷: ۴۳). او در کتاب دیگرش با عنوان فرهنگ، رسانه، زبان^۵ منظور از گفتمان را مجموعه‌ای از گزاره‌ها می‌داند که زبان خاصی را برای صحبت درباره‌ی موضوعی پدید می‌آورند (هال، ۱۹۹۲: ۲۹۰). مک دانیل می‌گوید: «گفتمان پدیده یا مقوله یا جریان و بستری است که دارای زمینه‌ی اجتماعی است. گزاره‌ها و احکام و قضایای مطرح شده، کلمات و عبارات و معانی آن‌ها جملگی به این بستگی دارند که مطالب بیان شده و گزاره‌های مطرح شده و همچنین قضایای مفروض، در کجا و چگونه

1. Utterance

۲. به طور مشخص این تعریف فوکو در سطح نظری قابل فهم است.

3. Stewart Hall

4. Representation

۵. تعریف دومی که قبلاً فوکو ارائه شد نیز چنین حالتی دارد. آن تعریف را می‌توان یک تعریف مدرنیستی از مفهوم پارادایم دانست.

6. Culture, Media, Language

و توسط چه کسی، بر علیه (یا له) چه چیزی یا چه کسی صادر شده است (مک دانل، ۱۳۷۷: ۳۰). گفتمان‌های مختلف، مفاهیم و مقولات مختلفی ارائه می‌کنند. لیکن معانی تنها در جریان فرآیندهای گفتاری و نوشتاری ایجاد یا ثبت نمی‌شود. هرآنچه که به چیزی دلالت کند یا دارای معنا باشد می‌توان آن را به عنوان بخشی از گفتمان تلقی نمود. (مک دانل، ۱۳۷۷: ۳۲).

هوارث^۱ در کتاب گفتمان^۲ ضمن اشاره به «مفاهیم پیچیده و جدل انگیز علوم اجتماعی» پیشنهاد می‌کند معنا، حوزه‌ی عمل و کاربرد تبیینی واژه‌ی گفتمان را در ارتباط با سیستم‌های نظری متفاوتی که گفتمان در آن به کار می‌رود، امری نسبی تلقی کنیم. سپس توضیح می‌دهد که این سیستم‌های نظری و تئوریک طبعاً مفروضاتی در مورد ماهیت جهان اجتماعی و روش‌هایی که می‌توان به دانش دست یافت، دارند. پوزیتیویست‌ها و تجربه‌گرایان، دیسکورس را به مثابه‌ی چارچوب‌ها یا شماییک‌های شناختی تعبیر می‌کردند. منظور از چارچوب هم می‌تواند این باشد که گفتمان‌ها ابزارهای ابتدایی هستند که می‌توانند درک و فهم مشترک را در راستای اهداف مشخص تقویت نمایند (هوارث، ۲۰۰۰: ۳). هوارث می‌گوید که مک دانل هم در مطالعات خود به این نتیجه رسیده بود که زمینه‌های نهادی و اجتماعی نقش مهمی در تفاوت تبیین معنای گفتمان در نزد پژوهشگران مختلف دارد (هوارث، ۲۰۰۰: ۹).

سارا میلز هم از مک دانل یاد کرده و می‌گوید از دید مک دانل هرگونه تفاوت بین گفتمان‌ها متأثر از سه عامل «نوع پرکنش نهادی»، «نوع پرکنش اجتماعی» و «جایگاه گفت‌وگوهای که هر گفتمان را ارائه می‌دهند» است. به همین خاطر گفتمان اینجا از «مجموعه‌ای غیرتجسیدی»^۳ از گزاره‌ها و احکام خارج می‌شود و ساختاری متشکل از «اظهارات»^۴ و «جملات» پیدا می‌کند که در یک بافتار اجتماعی ارائه شده و ادامه‌ی حیات آن بافتار یا زمینه‌ی اجتماعی را ممکن می‌سازد. به قول میلز این «زمینه‌ی اجتماعی» همان نقطه‌ی آغازینی است که میشل پشو^۵ به آن علاقه‌مند است (میلز، ۱۹۹۷: ۱۰-۹).

ون دایک می‌گوید: «ای کاش می‌توانستیم آنچه را که درباره‌ی گفتمان می‌دانیم به شکلی فشرده در تعریفی ساده بگنجانیم... اما متأسفانه مفهوم مذکور همچون مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ اساساً مفهومی مبهم است (ون دایک، ۱۳۸۲: ۵). البته ون دایک گفتمان را یک شکل خاص از کاربرد زبان و همچنین شکل خاصی از تعامل اجتماعی می‌داند که به صورت یک رویداد ارتباطاتی کامل در موقعیت اجتماعی تفسیر می‌شود (کوبلی، ۱۳۸۷، ج سوم: ۶۰۰).

1. David Howarth

۲. این کتاب با این مشخصات به زبان فارسی ترجمه شده است: هوارث، دیوید؛ (۱۳۹۷)؛ گفتمان؛ ترجمه‌ی احمد صبوری؛ تهران؛ نشر آشنیان

3. Disembodied collection

4. Statements

5. Michel Pecheux

۴.۲. گفتمان از منظر فرکلاف

در بین اندیشمندانی که در حوزه‌ی مطالعات گفتمان فعالیت داشته‌اند، قطعاً نورمن فرکلاف جایگاه ممتازی دارد. فرکلاف ابتدا از موضعی زبان‌شناختی به متون انضمامی می‌پردازد و سپس گفتمان‌هایی را که متن به آن‌ها متکی است شناسایی کرده و نحوه‌ی وابستگی آن‌ها به نظریه‌های کلان اجتماعی را توضیح می‌دهد. هدف فرکلاف آگاهی زبانی انتقادی به مصرف‌کنندگان متون است. هر متنی خوانندگان را به سوی فهم خاصی از واقعیت رهنمون می‌سازد. به عبارت دیگر «شناسایی انتقادی گفتمان‌های مستتر در متن و آگاهی بخشی به مخاطبین در هنگام قرائت متن دلمشغولی اصلی فرکلاف است» (نوذری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۳). نورمن فرکلاف سه معنای متفاوت برای گفتمان قائل شده است:

«در انتزاعی‌ترین شکل خود، گفتمان به کاربرد زبان به مثابه‌ی یک پرکنیس اجتماعی اشاره دارد.^۱ در معنای دوم، گفتمان نوعی کاربرد زبان در یک حوزه‌ی خاص است. مثل گفتمان سیاسی، گفتمان علمی و در معنای سوم نیز گفتمان به مثابه‌ی یک اسم قابل شمارش^۲ است. مثلاً «این گفتمان»، «آن گفتمان»، که به روش سخن گفتن^۳ اشاره دارد که به تجربیات برآمده از یک منظر خاص معنای بخشد. در اینجا گفتمان ارجاع به هر دیسکورسی است که می‌تواند از سایر دیسکورس‌ها متمایز شود. مثلاً گفتمان مارکسیستی، گفتمان مصرف‌کننده و غیره. به بیان دیگر واژه‌ی گفتمان در منظر فرکلاف اشاره به نظام‌های نشانه‌ای همچون زبان و ایماژهاست» (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۶۷-۶۶).

این تعریف که در اغلب متون از قول فرکلاف مطرح می‌شود، در کتاب سال ۱۹۹۲ او آمده است. اما او بعدها در سال ۲۰۰۳ در کتاب تحلیل کردن گفتمان، تحلیل متنی برای پژوهش اجتماعی^۴ فقط معنای اول و سوم را به عنوان تعریف گفتمان مورد پذیرش و تصریح قرار می‌دهد (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۲۶). فرکلاف با گذشت زمان در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۲ می‌گوید: «گفتمان در مفهومی انتزاعی به مثابه‌ی مقوله‌ای است که عناصر گسترده‌ی نشانه‌شناختی در زندگی اجتماعی را تعیین می‌کند». او در همین مقاله می‌گوید که مقوله‌ی «گفتمان» در این مفهوم سومی که قبلاً ذکر شد، از راه ارتباط و تفاوتش با دو مقوله‌ی دیگر یعنی «ژانر»^۵ و «سبک»^۶ تعریف می‌شود^۷ (فرکلاف، ۲۰۱۲: ۴۵۳).

۱. وقتی می‌گوییم که گفتمان هم سازنده است و هم ساخته شده است به همین مفهوم اشاره می‌کنیم (نویسندگان)

2. Count Name

3. Way of speaking

4. Analyzing Discourse, Textual Analyse For Social Research

5. Genre

6. Style

۷. در توصیف مدل فرکلاف به این مقوله‌ها اشاره خواهد شد (نویسندگان)

۲.۵. گفتمان از منظر لاکلاو و موفه

لاکلاو و موفه مقاله‌ای دارند که تاکنون از چشم پژوهشگران ایرانی به دور مانده است. این مقاله با نام «پسامارکسیسم بدون هرگونه عذرخواهی‌ها»^۱ در سال ۱۹۸۷ و در مجله‌ی *New Left Review* منتشر شده است. در این مقاله مفهوم گفتمان از نظر این دو نظریه‌پرداز به روشنی ذکر شده است: «فرض کنید من در حال ساختن یک دیوار هستم و یک شخص دیگر هم به من کمک می‌کند. در لحظات مشخصی من از این شخص می‌خواهم که یک آجر به من بدهد و من هم آن آجر را به دیوار اضافه می‌کنم. کنش اول (یعنی درخواست آجر) یک کنش زبانی است. کنش دوم (یعنی قرار دادن و اضافه کردن آجر به دیوار) فرازبانی است. آیا من واقعیت هر دو کنش را از طریق ایجاد تمایز بین آن‌ها در قالب یک تضاد بین زبانی/فرازبانی تقلیل داده‌ام؟ آیا این تقلیل به شکلی است که من واقعیت هر دو کنش را به یک کنش تقلیل داده‌ام؟ پاسخ منفی است؛ چرا که به رغم تفاوت‌ها، دو کنش در چیزی مشترک هستند که به آن‌ها اجازه می‌دهد با یکدیگر مقایسه شوند و آن «چیز» در واقع این حقیقت است که هر دو بخشی از یک عملیات کلی هستند که همانا ساختن یک دیوار است. اکنون چگونه باید این کلیت را که بخشی از آن زبانی و بخشی فرازبانی است، توصیف کنیم؟ اگر این کلیت شامل عناصر زبانی و همچنین فرازبانی است، آنگاه نمی‌تواند هم «زبانی» باشد و هم «فرازبانی». این کلیت اساساً مقدم بر آن تمایز است. کلیت مزبور که در درون خودش مشتمل بر عناصر زبانی و غیرزبانی است را با نام «گفتمان» معرفی می‌کنیم» (لاکلاو و موفه، ۱۹۸۷: ۸۲).

لاکلاو و موفه تأکید دارند که استعمال کلمه‌ی «گفتمان» در واقع تأکید بر آن است که هر ترکیب‌بندی اجتماعی واجد معناست. «اگر یک جسم کروی را در خیابان شوت کنیم و یا اگر یک توپ را در بازی فوتبال شوت کنیم، هرچند کنش فیزیکی این دو شبیه یکدیگر است اما «معنا»ی آن متفاوت است. ابژه‌ی ما فوتبال است فقط در حیطه‌ای که در یک نظام و سیستم روابط با سایر ابژه‌ها قرار گرفته باشد و این روابط (نظام روابط) صرفاً از رهگذر دلالت‌های مادی ابژه‌ها حاصل نمی‌آید بلکه بر ساختن اجتماعی است. این مجموعه‌ی نظام‌مند از روابط را گفتمان می‌نامیم».

در کتاب همومونی و استراتژی سیاسی^۲ بحث لاکلاو و موفه این است که کاراکتر گفتمانی یک ابژه تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند «وجود» آن را زیر سؤال ببرد.^۳ این واقعیت که «فوتبال فقط فوتبال است مادامی که در یک نظام و سیستم بر ساخته از قواعد بازی فوتبال قرار گرفته باشد» به آن معنا نیست که به موجب این گزاره در قامت یک ابژه‌ی فیزیکی متوقف مانده است. بلکه منظور آن است که فوتبال

1. Postmarxism Without Apologies

۲. این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه شده است: لاکلاو، ارنستو و موفه، شاننال؛ (۱۳۹۲)؛ همومونی و استراتژی سوسیالیستی؛ ترجمه‌ی محمد رضایی؛ تهران، نشر ثالث

۳. در اینجا احتمالاً «وجود» از حیث «هستی» مدنظر است (نویسندگان)

تازمانی فوتبال است که در دورن یک نظام قوانین مرسوم اجتماعی قرار گرفته باشد. یک قطعه سنگ مستقل از هر سیستم روابط اجتماعی است. اما وقتی این قطعه سنگ در درون یک ترکیب گفتمانی مشخص قرار می‌گیرد، می‌تواند مصداق ابژه‌ای (مثلاً یک اثر هنری) باشد. لاکلائو و موفه در همین مقاله می‌گویند که یک قطعه الماس چه در عمق معدن و چه در گاو صندوق یک طلافروشی از حیث فیزیکی صرفاً یک ابژه است. ولی هنگامی که آن الماس در درون یک سیستم خاص از روابط اجتماعی قرار می‌گیرد، به یک هستی مفهوم‌دار و معنا‌دار مبدل می‌شود. لذا:

گفتمان است که وضعیت سوژه‌گی عاملان اجتماعی را مشخص کرده و تعیین می‌بخشد. حالت عکس برقرار نیست. یعنی عاملان اجتماعی نیستند که مبداء گفتمان هستند. نظام قواعد است که آن شیء کره‌ای را به عنوان «توپ فوتبال» و من را به عنوان «بازیکن فوتبال» تعیین می‌بخشد.

از آنچه که لاکلائو و موفه بیان می‌کنند می‌توان نتیجه گرفت که حقایق ثابت بیرونی از طریق گفتمان می‌توانند بازنمایی شوند. لذا شاید بتوان اظهار داشت که جهان اجتماعی محصول گفتمان‌هاست و کنش انسان‌ها نیز متناسب با این حقیقت تولید می‌شود (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۲). تاجیک در مقاله‌ی «گفتمان، سیاست و اجتماع» می‌گوید که گفتمان در این نگاه نه تنها جای ایدئولوژی نشسته بلکه جای اجتماع هم نشسته و آن را به مثابه‌ی یک متن (یعنی ساختاری که مبتنی بر تأکید بر ویژگی نمادین روابط اجتماعی است) تصویر و تحلیل می‌کند. این معنی با معنای سوسوری گفتمان فرق دارد. گفتمان به مثابه‌ی سیستمی بسته از تمایزات فهمنی می‌شود لذا گفتمان‌ها قادر به اتمام و انسداد مفاهیم و هویت‌ها هم نیستند. در واقع گفتمان تأکیدی است بر این واقعیت که هر فرمایشیون اجتماعی واجد معناست (تاجیک، ۱۳۸۲: ۵۹).